از ابتدا بازیگر بودم

داریوش فرضیایی از راز ارتباطش با بچه‌ها، خلأ شومن‌های حوزه کودک و تجربه متفاوت سریال «اکسیر» می‌گوید

مازیار حکاک/ مصطفی قاسمیان- در جای‌جای کشورمان، بعید است کسی حداقل ۱۰-۱۵ سال داشته باشد و عموپورنگ را نشناسد؛ چهره‌ای که طی نزدیک به ۳۰ سال برنامه‌سازی و سریال‌سازی برای کودک، نوجوان و حتی بزرگسال، مخاطبانی ده‌ها میلیونی دارد و به یک گروه سنی و یک قشر محدود نیست. با این مجری، برنامه‌ساز و بازیگر شاخص تلویزیون که پس از چند سال فعالیت در نمایش خانگی، امسال سریال جدیدی در تلویزیون داشت و حتی اولین حضور سینمایی‌اش را هم در جشنواره فیلم‌های کودک و نوجوان اصفهان رونمایی کرد، گفت‌وگویی تفصیلی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.


نمایی از فیلم «اکسیر»

بعد از حدود یک دهه سریال‌سازی و حالا یک فیلم سینمایی، این روزها به این نتیجه می‌رسیم که عموپورنگ دیگر مجری بچه‌ها نیست و به کلی یک بازیگر شده. درست است؟

من از همان ابتدا هم بازی می‌کردم و پورنگ را بازی می‌کردم. همه آرزوهای کودکی‌ام را جلوی دوربین آورده بودم. یادتان هست مسابقه تلفنی اجرا می‌کردم؟ چپ‌چپ، راست‌راست و شوخی‌هایی که انجام می‌دادم. حتی زمانی که تصویر یک کارتون یا انیمیشن روی مانیتور می‌آمد و من روی آن تصویر به جای شخصیت مورچه‌خوار حرف می‌زدم. این‌ها همه بازی بود، اما بازی‌های کودکانه و صادقانه. یادتان هست اسم بچه‌ها را می‌خواندم؟ آن زمان کسی این کار را نمی‌کرد. هر روز که برنامه داشتم، ۳۰-۴۰ اسم می‌خواندم. اسم‌ها را از خودم درمی‌آوردم! کسی فهرستی به من نمی‌داد. مثلاً می‌گفتم مریم، محمد، سیروس، آرشام و...! وقتی می‌گفتم «مریم»، همه مریم‌ها پای تلویزیون فکر می‌کردند با آن‌ها هستم! گاهی بچه‌ها را در خیابان می‌دیدم و از این که این روش چقدر خوب جواب داده بود، خنده‌ام می‌گرفت. یک دوره هم تلفن زدن به مادر و پدر را در برنامه جا انداخته بودیم و وقتی با بچه‌ای تلفنی صحبت می‌کردم، می‌گفتم: «سلام، مامان زهرا! سلام، مامان محمد!» بعد از مادر بچه می‌پرسیدم که حرف گوش می‌کند یا نه. حتی اگر قرار بود از اشتباهات بچه صحبت کنم، سعی می‌کردم خوبی‌هایش را بگویم تا خودش متوجه اشتباهش شود. مثلاً اگر تکالیفش را دیر انجام می‌داد، به جای این که مستقیم سرزنشش کنم، از خوبی‌هایش می‌گفتم. این تعریف کردن‌ها می‌توانست باعث شود کودک به رفتار خودش فکر کند. یک بار با روان‌شناسی صحبت می‌کردم و او گفت چقدر جالب است که چنین کارهایی انجام داده‌ام.



شما غریزی انجام می‌دادید...

بله، کسی به من آموزش نداده بود. حتی دعاهایی که در پایان برنامه می‌خواندم، از همین جنس بود. این‌ها کارهای ساده‌ای بودند، اما من آن‌ها را صادقانه و کودکانه انجام می‌دادم. البته بعضی چیزها را هم نباید بیش از اندازه تکرار کردیا لوس کرد. باید اجازه دادزیبایی‌شان حفظ شود.

شما شومن بودید. کسی که همزمان آهنگ می‌خواند، با بچه‌های استودیو ارتباط برقرار می‌کند و کارهای پیش‌بینی‌نشده انجام می‌دهد. بعد از شما انگار کمبودی ایجاد شد. ما می‌دانستیم اگر روزی عموپورنگ دیگر اجرا نکند، چنین کمبودی به وجود می‌آید چون کسی در حد و اندازه شما نداشتیم.

نمی‌خواهم این حرف به تکبر و غرور تعبیر شود، اما این کارهای پیش‌بینی‌نشده از صداقتم بود. حتی دوستان کارگردان می‌گفتند نمی‌توانند پیش‌بینی کنند که من در لحظه بعد چه کاری انجام می‌دهم. البته اسمش جسارت نبود؛ بیشتر صداقت بود. من با بچه‌ها صادقانه صحبت می‌کردم. اگر اشتباهی پیش می‌آمد، آن را به یک موقعیت بامزه تبدیل می‌کردم. مثلاً می‌گفتم: «بچه‌ها، این اشتباه از من نبود!» یا دوربین اتاق فرمان را نشان می‌دادم و با بچه‌های پشت صحنه شوخی می‌کردم.



می‌فهمم که شما استعداد خدادادی دارید که کسی دیگر ممکن است کمتر داشته باشد، اما در سازمان صداوسیما هم احتمالاً اتفاق‌هایی افتاده که به شکل‌گیری این سبک کمک کرده. چرا بعد از شما کسی نتوانست چنین جایگاهی پیدا کند؟ حدود ۱۰ سال است که این خلأ احساس می‌شود.

نمی‌دانم. آنچه من دیدم این بود که کار به سمتی می‌رفت که همه می‌خواستند عمو یا خاله باشند.

عصر عموها و خاله‌ها را شما شروع کردید.

نه کار من نبود، بچه‌ها به من عمو گفتند. اسم من «پورنگ» بود و بچه‌ها مرا عموپورنگ صدا کردند. یادم هست دختری به نام فاطمه در مسابقه تلفنی شرکت کرده بود. برنده نشد و باید تلفن را قطع می‌کرد، اما صدای گریه‌اش را شنیدم و گفت: «عمو، میشه من دوباره...؟» وقتی آن دختر مرا عمو صدا کرد، واقعاً تحت تأثیر قرار گرفتم. با خودم گفتم این بچه‌دار دبه من می‌گوید عمو؛ پس نمی‌توانم به راحتی تلفن را قطع کنم. تصمیم گرفتم دوباره به او فرصت بدهم. از آن به بعد هر کس می‌آمد روی خط، به من می‌گفت عمو!

ولی واقعا از همان موقع عصر عموها و خاله‌ها شروع شد.

بله، همین را می‌خواهم بگویم. دیدم واژه‌ها و شیوه اجرای من در برنامه‌های دیگر هم استفاده می‌شود و احساس کردم باید کار متفاوتی انجام بدهم. نمی‌توانستم تا ابد همان مدل را تکرار کنم؛ بچه‌ها را بیاورم، شعر بخوانیم و همان ساختار قبلی را ادامه بدهم. امیر محمد و فاطیما بهار مست را معرفی کردم و استعدادهای دیگری هم وارد این عرصه شدند. خوشحالم که بعضی از آن‌ها امروز موفق‌اند. به همین دلیل تلاش کردم در همان حوزه کودک، اما با شیوه‌ای متفاوت کار کنم.

خواستید به تکرار نیفتید.

بله، بردیم به سمت نمایش.

حتی امیرمحمد هم حضور داشت و حتی خاطرم است سهند جاهدی هم آمد.

بله، برنامه «فوق برنامه» بود که سهند جاهدی و متین حیدری نیا آمدند.

سؤال قبلی را پاسخ ندادید. چه شد که بعد از شما کسی جایگاه این شومن کودک و نوجوان را پیدا نکرد؟

چه باید بگویم؟ فضا بسته بوده؟ اتفاقاً آن موقع که فضا باز بود. نمی‌دانم. به هر حال احساس می‌کنم در نهایت تکثیر بی‌حسابی اتفاق افتاد و باید یک جا تمام می‌شد. من سعی کردم زودتر ریسک این تغییر را بپذیرم. شاید خیلی‌ها می‌گفتند برنامه زنده را رها نکن؛ ممکن است کار نمایشی موفق نشود، اما من ریسک کردم و «محله گل‌وبلبل» آمد و کلی بیننده داشت. کلی پیشکسوتان افتخار دادند و آمدند و من شاگردی‌شان را کردم. خانم نظام‌دوست که نقش مادر من را بازی کرد، اولش مخالفت می‌کرد و می‌گفت مگر می‌شود؟ با این حال از «محله گل‌وبلبل» تا «کلبه عموپورنگ» حدود ۶۰۰ قسمت برنامه ساختیم!

اما من دوست ندارم کاری را که امروز انجام داده‌ام، فردا دوباره به همان شکل تکرار کنم. همیشه دوست دارم اتفاق تازه‌ای رخ بدهد.

به نظرم «کلبه عموپورنگ» اوج این مدل برنامه‌سازی بود و حتی از «لالایی» و «آرزوهای چپکی» هم جلوتر بود.

هر کدام از این آثار سبک و حرف خودشان را داشتند. مثلاً در «آرزوهای چپکی» موضوع ریاضی را مطرح کردیم. بچه‌ها معمولاً علاقه زیادی به ریاضی ندارند و ما تلاش کردیم با یک شیوه تازه، آن را برایشان جذاب کنیم. در «لالایی» به موضوع سالمندی و آلزایمر پرداختیم. شخصیت زنی که دچار آلزایمر بود، مرا با فرد دیگری اشتباه می‌گرفت. در کنار این موضوع، عناصر فانتزی هم داشتیم. می‌خواهم بگویم هر کدام از این کارها باید حرفی برای گفتن داشته باشند. «اکسیر» را دیدید؟

بله و درباره‌اش حرف دارم!

بگو!

من معمولاً آمارها و واکنش‌ها را رصد می‌کنم و تا قبل از «اکسیر» همیشه برایم سؤال بود که چرا عموپورنگ در کارنامه‌اش شکست آشکاری نداشته؟ اما «اکسیر» را شکست تلقی می‌کنم.



نه. بازخوردها در صفحه من خیلی مثبت بود. می‌گفتند در شرایطی که جامعه دغدغه‌های زیادی دارد و همه درباره مسائل جدی و اتفاقات روز صحبت می‌کنند، بعضی‌ها به من می‌گفتند که برنامه ما توانسته برای مدتی ذهنشان را از این دغدغه‌ها دور کند. این برایم ارزشمند بود. ضمناً «اکسیر» را نمی‌شود با «کلبه عموپورنگ» مقایسه کرد، چون مخاطبش کودک نیست و بزرگسال است. در «اکسیر» قرار نبود همان فضای برنامه کودک را تکرار کنیم. در این سریال درباره جوانی، گذر زمان و حسرت‌هایی که آدم‌ها در دوران سالمندی تجربه می‌کنند، صحبت شده. یکی از محورهای قصه، بازی‌ای است که از وقت بچه‌ها تغذیه می‌کند و شخصیت منفی داستان از طریق این بازی و اتلاف وقت کودکان، به نوعی به جوانی دوباره دست پیدا می‌کند.

دفترچه ثبت ساعت رانندگی اتوبوس پایه یک بنام مجید میرشجاعیان حسینی به شماره ملی ۰۷۷۸۵۶۸۴۷۴ مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۴۸۲

برگ سبز دنا EF۷-TCA مدل ۱۴۰۴ سفید روغنی **به شماره انتظامی ایران ۳۶-۳۱۷ص ۷۵** به شماره موتور ۱۵۳H۰۲۶۲۳۹۸ و شماره شاسی NAAW۶۱HYESDK۲۱۱۶۸ بنام حسین شیرین کار مفقود گردیده وفاقد اعتبار می باشد ۲۱۴۵۱۵

مجوز حمل اسلحه شکاری کالیبر ۱۲ نوع اسلحه دولول ساچمه زن (بنام مهدی روح پرور دولو به شماره ملی ۰۸۷۲۷۸۷۰۶۷) ساخت ایران با شناسه ۰۱۳۲۱۰۳۰۸۵۱۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. ۲۱۴۵۰۴

برگ سبز موتورسیکلت توس نو مدل ۱۳۹۴ به **شماره پلاک ایران ۸۵۹-۱۴۳۱۵** و شماره موتور ۰۱۲۵N۴N۰۱۳۸۰۰ و شماره تنه N۴N***۱۲۵۱۹۴۵۴۱۳۳ به نام علی سلیمانیان مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۴۸۷

برگ سبز و سند کمپانی موتورسیکلت شارک مدل ۹۳ به **ش پلاک ۷۷۲-۱۴۹۴۳** بنام اسماعیل حسین نژاد یامی به ش تنه NCT***۱۲۵۵۹۳۱۵۶۹۶ به ش موتور ۰۱۲۵NCT۱۰۸۱۲۹ مفقود و فاقد اعتباراست ۲۱۴۵۱۶

برگ سبز موتورسیکلت آپاچی **به شماره انتظامی ۷۶۳_۵۹۴۴۹** و شماره موتور ۹۲۱۴۸۵۰۱ و شماره تنه ۸۸۰۰۴۰۰ بنام رضا چهار باغی طروقی مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۵۰۵

سند کمپانی موتور سیکلت زال توس مدل ۱۳۹۴ به **شماره پلاک انتظامی ۵۶۲۵۸-۷۷۳** به شماره شناسایی N۳N***۱۵۰Z۹۴۵۳۷۷۳ شماره موتور ۰۱۵۰N۳N۲۰۰۵۰۰ مفقود شده است و از درجه اعتبار ساقط می باشد. ۲۱۴۵۲۴

برگ سبز موتورسیکلت دلتا مدل ۱۴۰۱ به **شما ره پلاک ۷۶۹۶۲/۷۲۸** موتور ۵۰۴۸۲۴۰ شاسی ۹۷۹۶۹ بنام نورالله عزتی فر کدملی ۰۷۳۰۴۴۲۸۳۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد ۲۱۴۵۳۷

برگ سبز خودرو پژو ۴۰۵جی ال ایکس ۸/۱ مدل ۱۳۸۴ به **شماره پلاک ایران ۷۵ ۴۵۶ج ۵۶** و شماره موتور ۱۲۴۸۴۱۷۱۱۲۹ و شماره شاسی ۱۴۲۶۳۳۴۹ بنام مصطفی صادقی نسب مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۵۱۸

برگ سبز خودرو تیبا مدل ۱۳۹۳ **به شماره پلاک ۱۰ایران ۶۶۶ن ۴۸** و شماره موتور ۸۰۸۳۸۳۹ و شماره شاسی ۵۷۴۱۶۲۸ به نام منصور کریمی مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۵۱۴

برگ سبز موتورسیکلت کویر مدل ۱۴۰۱ **به شماره پلاک ۷۷۸ایران ۵۶۶۸۳** و شماره موتور ۰۱۵۰N۵۸۰۲۰۶۰۳ و شماره تنه N۵۸S۲CF۰۰NEC۰۱۰۳۶ به نام حمیدرضا مسرت مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۵۱۲

برگ سبز ساپنا اس تکسوزمدل ۱۴۰۵ به **شماره انتظامی ۹۵ ب ۴۵۲ ایران ۴۲** و شماره شاسی NAS ۸۵۱۱۰۰ T ۵۸۷۹۸۵۹ و شماره موتور M۱۵۵۶۶۸۱۴۴ بنام یاسمن فروغی مفقود و فاقد اعتبار است . ۲۱۴۴۷۰

برگ سبز موتورسیکلت کویر مدل ۱۴۰۱ **به شماره پلاک ۷۷۸ایران ۵۶۵۹۷** و شماره موتور ۰۱۵۰N۵۸۰۲۰۸۲۰ و شماره تنه N۵۸S۲CF۰۰NEC۰۰۸۵۰ به نام رضا خزاعی مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۴۷۷

برگ سبز تیگو ۷ فونیکس مدل ۱۴۰۳ **به ش پلاک ایران ۳۶-۲۵۴ص ۴۵** بنام عباس غفاری پور به ش موتور MVME۴T۱۵CBKR۰۶۰۸۰۰ به ش شاسی NATGBACJ۰R۱۰۵۳۶۹۹ مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۴۴۴

برگ سبز و سند کمپانی کیا سراتو مدل ۹۴ **به ش پلاک ۷۴۰-۷۴۱** به ش موتور ۵۵۰۴۰۱ به ش شاسی NAS۶۲۱۲۰۰F۱۰۰۲۵۲۵ بنام فاطمه خوش کردار مارشک مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۴۳۱

برگ سبز خودرو پژو ۴۰۵GLX-XU۷ مدل ۱۳۹۲ به **ش پلاک ۱۲ایران ۳۵۲ی ۲۶** و ش موتور ۱۲۴K۰۲۴۷۴۸۸ و ش شاسی NAAM۰۱CA۶DK۶۲۶۳۵۱ به نام حمزه خانی چه مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۴۶۳

برگ سبز خودرو دوو ماتیز مدل ۱۳۸۰ **به شماره انتظامی ۱۲ ایران ۲۴۵ ق ۷۱** شماره شاسی IR۸۰۱۵۵۰۲۲۹۵۵ شماره موتور ۶۱۹۹۹۳ به نام فاطمه یوسفی مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۴۰۳

برگ سبز پی کی مدل ۸۲ **به ش پلاک ایران ۴۲-۵۹۵ط ۶۱** به ش موتور M۱۳۵E۴۴۸۹۵ به ش شاسی PSU۶۸H۲۰۱۶۴۶۴ بنام رضا سارانی مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۴۵۵

برگ سبز ۲۰۷هاچ بک پانوراما مدل ۱۴۰۱ رنگ سفید روغنی به **شماره انتظامی ۱۲-۳۹۷ط ۵۵** شماره شاسی NAAR۰۳FE۸NJ۹۳۰۹۷۶ شماره موتور ۱۷۸۸۰۱۰۵۷۲۶ بنام رضا شارعی مفقود و فاقد اعتبار میباشد ۲۱۴۴۰۸

برگ سبز پژو تاکسی ۴۰۵ مدل ۹۰ **به ش پلاک ۱۲-۷۷۲ت ۶۵** به ش موتور ۱۲۴۹۰۲۶۶۱۲۵ به ش شاسی NAAM۱۱CA۹CE۲۹۳۴۶۱ بنام جلال غفاریان خالقداد مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۴۲۶

برگ سبز تیبا۲مدل۹۹ رنگ سفید به **شماره انتظامی ۸۴-۸۴۸ل ۱۳** شماره شاسی NAS۸۲۱۱۰۰L۱۲۴۵۶۷۲ شماره موتور M۱۵۸۹۲۶۳۱۷ بنام فاطمه بی خبری مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۴۵۵

برگ سبز خودرو پراید صبا جی تی ایکس به **شماره انتظامی ۸۴و۲۲۴ ایران ۱۲** و شماره موتور ۰۰۰۴۱۰۷۳ و شماره شاسی ۱۴۱۲۲۷۶۵۳۵۵۴۹ به نام اکبر عرفانیان نیازکاران اخوت مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۴۵۱

برگ سبز پراید صبا مدل ۱۳۸۳ **به شماره انتظامی ۴۲-۹۴۴ج ۸۸** شماره موتور ۰۰۹۴۱۹۷۴ شماره شاسی s۱۴۱۲۲۸۳۳۲۳۶۱۵ بنام رضا رمضان‌زاده مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۴۶۰

برگ سبز خودرو سمند ایکس۷ مدل ۱۳۸۴ به **شماره پلاک ۷۴ایران ۳۹۲ص ۵۴** و شماره موتور ۱۲۴۸۴۰۱۱۲۱۱ و شماره شاسی ۱۴۵۰۶۳۴۲ به نام فاطمه گنجه یان مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۳۲۵

سند کمپانی و برگ سبز و کارت پراید مشکی مدل ۸۶ دوگانه کارخانه **به ش پلاک ایران ۲۶-۴۵۵ص ۱۴** بنام سیمین عذارساکری به ش موتور N۱۳-۲۱۳۶۴۱۸ به ش شاسی s۱۴۱۲۲۸۶۶۰۳۱۰۰ مفقود و فاقد اعتباراست ۲۱۴۳۵۰

برگ سبز وانت آریسان مدل ۹۴ **به ش پلاک ایران ۱۲-۷۸۷ط ۲۵** بنام سعیده غفاری به ش موتور ۱۱۸J۰۰۰۶۷۱۰ به ش شاسی NAAB۶۶PEAFV۵۱۷۱۱۲ مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۳۴۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرا صادره هیاتهای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به مرجع قضایی تقدیم نماید. ردیف ۱- برابر رأی شماره ۷۹۳۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۷ هیات دوم لذا مالکیت آقای / حیدر علی پهلوان صادق به شناسنامه شماره ۲۲۲ کدملی ۱۲۸۴۵۴۶۰۴۷ صادره اصفهان فرزند عباس در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۳۶ ۱,۴۳ متر مربع پلاک شماره ۸۱ فرعی از ۴ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان ثبت در دفتر املاک تائید رأی محرز گردیده است شناسه آگهی:۲۲۸۶۷۷۵ تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۷/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۵/۰۷/۲۱

احمد کاشف رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان ۲۱۰۹۳۵

قولنامه زمین به متراژ ۲۵۰ متر مربع از پلاک ۱۸۶ خریداری شده توسط اینجانب علی اسماعیلی مفقود و فاقد اعتبار است. ۲۱۴۲۸۸

برگ سبز و کارت خودرو رنو لوگان ۱۹۰ مدل ۱۳۸۹ به **شماره پلاک ۷۴ایران ۹۴۲ی ۹۶** و شماره موتور K۴MA۶۹۰W۰۳۳۵۲۳ و شماره شاسی NAPLSRALD۹۱۰۶۷۷۷۰ به نام علی اسماعیلی مفقود و فاقد اعتبار است ۲۱۴۳۴۹

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان اداره ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۰۲۷۰۱۶۳۱۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان تصرفات مالکانه مالکیت خانم محبوبه محسنیان اصفهانی به شناسنامه شماره ۷۱۴ و شماره ملی ۱۲۸۷۶۸۰۷۴۷ صادره اصفهان فرزند اسداله در ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی با کاربری زراعی بدون درج اعیانی به مساحت ۲۰۴/۳۹ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۸ فرعی از ۱۱۵۴۹ اصلی واقع در بخش ۵ ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه ۲۲۸۷۴۵۰ تاریخ انتشار نوبت اول :۱۴۰۵/۰۷/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۵/۰۷/۲۱

حمیدرضا خسروی رئیس ثبت اسناد و املاک ۲۱۰۹۷۵

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۰۵۷۰۲۰۰۶۴ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی خسرو سرلک چیوانی فرزند علی بشماره شناسنامه ۴ با کد ملی ۱۱۲۹۸۶۶۸۹۰ بصورت ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۷۰۸/۰۰متر مربع قسمتی از پلاک ۱۴۶ فرعی از ۴۶ اصلی واقع در شهرستان شهریار خریداری از مالک رسمی خسرو سرلک چیوانی مالک مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۷/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۷/۲۱

مهدی ناصری.رییس ثبت اسناد و املاک شهریار [۱۵۲۳۸] ۲۱۰۹۶۹

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۶۰۱۱۲۷۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت حیدریه تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی خانم عصمت نجفی غضبی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۹۹۴ صادره از تربت حیدریه ششدانگ یک دربند مغازه به مساحت ۱۸/۴۲ متر مربع در قسمتی از پلاک شماره ۱۰۶۵ مجزی شده از ۷۰۹ متصل به ۵۲۱ فرعی از پلاک شماره ۲۳۱ اصلی واقع در اراضی دیزقند دهستان اربعه در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه خریداری و انتقال ملک از مالک رسمی آقای محمد نجفی غضبی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۷/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۸/۰۷

سیدامین موسوی – رئیس ثبت اسناد و املاک ۲۱۴۳۹۹

«آگهی فقدان سند مالکیت»

نظر به اینکه جعفر بنی عباس شهری بعنوان وکیل برابر وکالت نامه شماره ۲۳۶۳۶۲ مورخ ۱۴۰۵/۱/۱۹ دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۶۹ مشهد از طرف موکلین خود احمد نمازی و مریم نمازی به استناد اوراق استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت ششدانگ یک باب منزل و یک دربند مغازه با پلاک ۱۰۴۶ فرعی از ۲ - اصلی بخش نه مشهد مفقود شده است. با بررسی دفتر املاک معلوم شد مالکیت احمد نمازی ذیل دفتر ۴۱۶ صفحه ۳۰۹ ثبت و سند مالکیت به شماره چاپی ۷۴۱۲۴۸ صادر گردیده است دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی صادر و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود است، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله ، رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد

امیدخیر خواه – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه پنج مشهد ۲۱۴۳۷۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۳۱۰۱۲۰۲۶۷۲۲ - ۱۴۰۵/۷/۰۶ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی معرفت اله افشار فرزند براتعلی به شماره ملی ۵۸۹۹۸۸۱۷۴۷ در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۰۲/۲۰ مترمربع از مالکیت کتابعلی کشن فلاح نسبت به پلاک ۴۴۶ فرعی از ۴ اصلی ذیل دفتر ۱۱۰۰ صفحه ۲۹ واقع در هشتگرد حوزه ثبتی ساوجبلاغ استان البرز تایید و رای هیئت صادرگردیده . لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۷/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۸/۰۶

بشیر نعیم زاده رئیس اداره ثبت اسناد واملاک ساوجبلاغ ازطرف کریم انصاری ۲۱۴۴۶۶

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۲۲۳۲۲۰۲۲۰۵۷۰۳۰۵۶۰۴۰۵ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی حسین رضا آریغ فرزند محمد علی بشماره شناسنامه ۴۲۶ با کد ملی ۶۴۷۹۳۵۰۲۰۰ بصورت ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۷۵۴/۹۳ متر مربع قسمتی از پلاک اصلی واقع در شهرستان شهریار خریداری از مالک رسمی محمد عطائی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۷/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۷/۲۱

علی رحیمی. رئیس ثبت اسناد و املاک شهریار [۱۵۲۳۶] ۲۱۰۹۶۷